

تشریف هنری

مروری بر پیوند هنر و دین و فراز و فرودهای خودکشی در تاریخ هنر

خودکشی هنری

پرسش «بودن یا نبودن» پیش و بیش از اینکه در سالن‌های تئاتر و محافل روشنفکری طنین انداز باشد، از کلیساها و کنیسه‌ها به گوش رسیده یا در پیچ‌های اهالی فلسفه مطرح بوده است. از سقراط تا رواقیون و از آگوستین تا جان دان، هر کدام کوشیدند پاسخی به آن بدهند. هر کدام آن‌ها به فراخور منش و مرام فکری یکی را انتخاب کرده‌اند؛ برخی «بودن» و برخی «نبودن» را. اما چرا خودکشی در هنر مسئله‌ای قابل تأمل است؟

اگر هنر و اثر هنری آیینه‌ای از فرهنگ، باورها و تلاطمات هر جامعه باشد، هنرمند در برابر پرسش «بودن یا نبودن» نمی‌تواند بی‌اعتنا باشد و اثر هنری هر دوره، میراثی از مسائل و دغدغه‌ها و پاسخی به پرسش‌های زمانه خود خواهد بود. با این فرض که برای هنر خاستگاهی الهیاتی در نظر بگیریم، چالش دیگر هنرمند تنها انتخاب بودن یا نبودن نیست؛ بلکه تأیید یا درافتادن با باورهای مسلّمی است که زبان و درونمایه هنرش از ابتدا بر آن بنا شده است. هنر، پیش از آنکه برای خود صاحب الهیات شود، در متن و برخاسته از الهیات بوده است.

هنر در فاصله گرفتن از دین نیز هرگز در برابر دین و مسائل مربوط به آن برکنار نبوده است و حتی پاسخ «نبودن» هملت هم در چارچوب دینی تفسیرشدنی است؛ به خصوص که مسئله‌ای همچون مرگ با همه‌آندوه و عجایبش و با دنیای رازآلود و ناشناخته‌اش، همواره ملات خوبی برای هنرمند بوده و در این میان، خودکشی به مثابه صریح‌ترین مواجهه با مرگ و



ساجده ابراهیمی

دبیر پرونده پژوهشگر مطالعات تطبیقی ادیان

خودکشی

Le Suicide, Alexandre-Gabriel Decamps

پالت، تیانه، و یادداشت روی زمین نشان می‌دهد که مصیبت بر هنرمند غلبه کرده و جان خودش را گرفته است. این نقاشی اثر الکساندر گابریل دکامپس در حدود ۱۸۳۶ میلادی است و اکنون در موزه هنر والترز در بالتیمور نگهداری می‌شود.

